

اعلامیه مطبوعاتی

سیاست شرعی حکم می‌کند که به‌جای بستن مرزها، مرزهای تحمیلی را بشکنید

از اواسط اکتوبر، (پس از درگیری‌های شدید مرزی، حملات هوایی پاکستان در خاک افغانستان و پاسخ متقابل نیروهای افغان)، گذرگاه‌های اصلی خط دیورند همچنان بسته مانده‌اند. این وضعیت باعث توقف کامل تجارت دوجانبه، قطع رفت‌وآمد خانوادگی، سفرهای صحتی و ضرر اقتصادی سنگین ماهانه (صدها میلیون دالر) برای مردم مسلمان هر دو سرزمین شده است.

ما سیاست دو کشور را که منجر به بسته‌ماندن مرز برای نزدیک به سه‌ونیم ماه شده و باعث وارد شدن خسارات و متضرر شدن هر دو طرف مسلمان شده است، محکوم می‌کنیم و آن را خلاف ارزش‌ها و احکام اسلامی می‌دانیم؛ سیاستی که موج تفرقه و احساسات منفی را علیه برادران مسلمان دامن زده است.

حکومت پاکستان مرز را مسدود کرده تا تضمین‌های امنیتی معتبر و عملی از حکومت افغانستان علیه تحریک طالبان پاکستان (TTP) بگیرد که به ادعای آنها از خاک افغانستان حملات خود را علیه پاکستان سازماندهی می‌کند، در حالی که انگیزه اصلی حاکم پاکستانی چنین است:

اول: در ارتش پاکستان، یک حلقه مشخص از نظامیان برای خوش‌خدمتی به باداران امریکایی شان و همچنان برای حفظ بقای سیاسی در داخل، سیاست‌های امریکا را در منطقه دنبال می‌کنند. این روند زیر نام «مبارزه با تروریسم» پیش برده می‌شود؛ اما در میدان عمل، هزینه اصلی آن را مردم مسلمان پاکستان (به‌ویژه در مناطق قبایلی) و نیز مردم مسلمان افغانستان می‌پردازند. در واقع، رهبری ارتش پاکستان در عمل، نقش پیاده‌نظام پروژه‌های امنیتی امریکا را به عهده گرفته و مأموریت آنان را در منطقه پیش می‌برد. رهبری نظامی و سیاسی پاکستان، به‌جای ولایت الله سبحانه و تعالی، رسول الله صلی الله علیه وسلم و مؤمنان، ولایت فرعون‌های زمان را اختیار کرده است؛ و امروز بزرگترین ارتش جهان اسلام، به‌جای دفاع از مردم مظلوم غزه، به عضویت «شورای صلح غزه» درآمده تا مجاهدین غزه را خلع سلاح نماید و به نیابت از قدرت‌های استعماری نقش‌آفرینی کند.

دوم: در سطح داخلی نیز یک حلقه خاص در رهبری ارتش، تلاش می‌کند با برجسته‌سازی «خطر امنیتی از سوی افغانستان»، سیاست‌های نظامی و امنیتی سخت‌گیرانه خود را علیه مردم پاکستان توجیه کنند و تمرکز قدرت را در دست نهادهای نظامی تحکیم نمایند. چنان‌که در سایه جنجال‌ها و تنش‌های پی‌درپی با افغانستان و هند، عاصم منیر توانست نفوذ و تمرکز قدرت خود را در درون ارتش به گونه بی‌سابقه‌ای گسترش دهد، وضعیتی که از آن با عنوان «کودتای خاموش» یاد شده است. رهبری ارتش پاکستان با اظهارات حساسیت برانگیز علیه افغانستان می‌خواهد که به جای حل مشکل، به «مدیریت بحران» بپردازد. چون منافع شان را در تداوم و تشدید بحران می‌بینند.

در سوی دیگر، حاکم افغانستان نیز به‌جای آن‌که یک فهم واقع‌بینانه و کلان از سیاست‌های امریکا در منطقه داشته باشند، دست به اقدامات غیرسیاسی زده و از یک‌سو در تلاش تحریک و تقویت احساسات ملی‌گرایانه و ضد پاکستانی اند و در سوی دیگر در سیاست خارجی خود در صدد نزدیکی شتاب‌زده با هند حرکت می‌کنند، بدون آن‌که پیامدهای امنیتی و سیاسی آن را بسنجند و از دید شرعی مسلمان‌ستیزی دولت هند را مدنظر بگیرند. در نتیجه حاکم افغانستان، به‌جای آن‌که در چارچوب سیاست شرعی موقف اتخاذ نمایند و مصالح مسلمانان را مراعات کنند، وارد میدان رقابتی گردیده‌اند که سودش به امریکا و هند می‌رسد و زیانش متوجه مسلمانان منطقه می‌گردد. در حالی‌که سیاست‌مدار مسلمان قضایای سیاسی را از دید عقیده اسلامی می‌بیند نه از دید منافع ملی.

سیاست شرعی حکم می‌کند که به جای بستن مرزها، باید خط سرطانی دیورند که میراث استعمار هند بریتانوی و سرچشمه تفرقه در منطقه است برچیده شود. خطاب ما به آن‌ده از اهل قدرت در افغانستان و پاکستان که دارای اخلاص می‌باشند و معیار عمل شان اسلام و احکام شرعی است، اینکه مانع تداوم تنش شده و به سوی برپایی خلافت راشده گام بردارند تا جنوب آسیا، افغانستان و آسیای میانه را به کانون خلافت راشده ثانی و محور وحدت و عزت امت مبدل گردد و روشنی اسلام را توسط اظهار دین و جهاد به سایر نقاط جهان گسترش دهند.

﴿وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَعَشَلُوا وَتَذَهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ [انفال: 46]

از الله و رسولش اطاعت نمایید، و با یکدیگر منازعه و کشمکش نکنید که قوت تان از بین می‌رود و صبر پیشه گیرید که الله متعال همراه صابران است.

دفتر مطبوعاتی حزب التحریر-ولایه افغانستان